

## مطالعه کیفی دلایل و زمینه‌های زباله گردی در شهر زاهدان

مصطفی ظهیری نیا<sup>۱</sup>

سیما هادی<sup>۲</sup>

### چکیده:

مقاله حاضر، دلایل و زمینه‌های روی آوردن به زباله گردی را مورد مطالعه قرار داده است. میدان پژوهش این مقاله، فضاهای عمومی شهر زاهدان می‌باشد و به منظور بررسی این موضوع از نظریه زمینه‌ای به عنوان یک استراتژی فرایند محور شناخته شده در پژوهش‌های کیفی، استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان در مطالعه حاضر ۹ نفر از زباله گردان بوده‌اند که در سطح مناطق و محلات شهر زاهدان مشغول فعالیت بودند و به صورت هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته صورت گرفته است. مقوله‌های عمده حاصل از استخراج و کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از: «تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش»، «عدم حمایت دولتی/سازمانی»، «اعتیاد»، «فقدان حمایت خانوادگی»، «حفظ کرامت انسانی» و «عدم منع اجتماعی». از انتزاع این مقولات و در سطحی بالاتر، مقوله هسته/این تحقیق، «زباله گردی؛ پیامد حمایت اجتماعی ناکافی» حاصل شده است. این یافته‌ها می‌توانند تصویری روشن از دلایل و زمینه‌های روی آوردن به زباله گردی ارائه دهند.

**واژه‌های کلیدی:** زباله گردی، زباله گردان، گراند تئوری، شهر زاهدان، مطالعه کیفی

<sup>۱</sup> - دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان، نویسنده مسئول، mozan54@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه هرمزگان، h.sima1367@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۴

۱. مقدمه

گسترش و توسعه شهرها و افزایش سطح کیفیت زندگی مردم، موجب مصرف فراورده‌های تولیدی و تولید حجم انبوهی از زباله‌ها در شهرها شده است (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۱). زباله به مواد زائد جامد فسادپذیر و فسادناپذیر می‌گویند که در منازل، مراکز تهیه و فروش مواد غذایی، مؤسسات صنعتی و بیمارستان‌ها تولید می‌شود. از معضلات مهم شهرنشینی افزایش رشد تولید زباله است (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۸). طبق اطلاعات سازمان بهداشت جهانی پیش‌بینی می‌شود تولید زباله در جهان تا سال ۲۰۲۵، چهار تا پنج برابر میزان کنونی افزایش یابد (رهنما و کاظمی خیبری، ۱۳۹۱). پخش پسماندهای جامد شهری در محیط‌زیست از مشکلات جوامع بشری بوده که با افزایش جمعیت بیشتر می‌شود. (محرم‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). با وجود اجتناب‌ناپذیر بودن تولید زباله توسط انسان، توجه به کنترل و ساماندهی آن دارای اهمیت است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹). تجمع زباله در محیط شهری علاوه بر نازیبایی فضای شهری باعث ایجاد ناراحتی و نارضایتی در سطوح مختلف اجتماعی می‌شود. پسماندها با رطوبت و حرارت موجب به وجود آمدن میکروب‌ها و بیماری‌های انسان می‌شود، انتشار زباله در محیط و طولانی شدن زمان جمع‌آوری زباله از معابر و اماکن عمومی محیط مناسبی را برای تکثیر و رشد سریع بسیاری از باکتری‌ها، حشرات و حیوانات موذی و... فراهم می‌کند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۱).

تاکنون در خصوص مبحث زباله عموماً به مشکلات زیست محیطی حاصل از انباشت زباله، توجه شده است در حالی که عدم جمع‌آوری به موقع و تلبار شدن زباله‌ها در مناطق مختلف شهر، پدیده زباله گردی را به‌عنوان یک مسئله اجتماعی به دنبال داشته است. زباله گردی یکی از معضلات و عوارض شهری است که اخیراً بسیاری از کلان‌شهرها و حتی شهرهای کوچک‌تر به آن دچار شده‌اند. افرادی که با خارج کردن زباله از محفظه‌ها، سطل‌ها یا پلاستیک‌های زباله، به دنبال مواد بازیافتی چون کارتن، اشیاء فلزی و وسایل پلاستیکی می‌گردند و آن‌ها را جمع‌آوری و برای فروش به

ضایعات فروشی می‌برند تا در فرایند بازیافت مورد استفاده قرار گیرند. به عبارت دیگر زباله گردی، از جمله فعالیت‌های تعریف‌نشده‌ای است که با هدف پیدا کردن و جمع‌آوری کالاهای قابل بازیافت به منظور فروش و کسب درآمد در جامعه رواج یافته است.

تولید بیش از حد زباله یکی از مشکلات رو به رشد در کشورهاست (علیاری و همکاران، ۱۳۸۹). در شهر زاهدان نیز محل‌های زیادی اعم از فضاهای باز یا سطل‌های فلزی که شهرداری در اماکن عمومی، خیابان‌ها و کوچه‌ها قرار داده است را می‌توان مشاهده نمود که زباله‌ها به مدت چند روز در آنجا تلنبار می‌شود و فرصت را در اختیار زباله گردانی قرار می‌دهد که با وجود شرایط نامناسب بهداشتی، در میان زباله‌ها به دنبال اشیاء بازیافتی می‌گردند. دسترسی به زباله‌ها در محیط شهری، نمی‌تواند به تنهایی عامل روی آوردن افراد به انجام این کار شده باشد. هر فردی در موقعیت اجتماعی که در آن قرار دارد به کنش و واکنش می‌پردازد، انتخاب زباله‌گردی به عنوان یک شغل، واکنش این افراد به شرایط اجتماعی است که در آن قرار گرفته‌اند. شرایط محیطی و اجتماعی می‌تواند دامنه‌ی انتخابهای فرد را گسترده یا محدود کند. بنابراین برخی افراد برای امرار معاش به زباله‌گردی روی می‌آورند. در این پژوهش به دنبال یافتن دلایل و زمینه‌هایی که موجب انتخاب زباله‌گردی به عنوان شغلی برای امرار معاش توسط این افراد شده است، می‌باشیم.

تحقیقات موجود غالباً با نگاهی بیرونی به پدیده زباله گردی و پیامدهای زیست محیطی آن پرداخته‌اند در حالی که درک و تفسیر رفتار افراد درگیر در این پدیده به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر مبتنی بر پارادایم تفسیری است لذا در پی آن است تا دلایل پدیده مذکور را از نقطه نظر سوزده‌های میدان مطالعه کشف و شناسایی کند. لذا سؤال اساسی مقاله حاضر، این است که زباله گردان در میدان مورد مطالعه دلایل و زمینه‌های زباله گردی را چگونه درک و تفسیر می‌نمایند؟

۲. پیشینه نظری:

در بیشتر منابعی که به زبان فارسی در خصوص موضوع مقاله وجود دارد، بخش عمده‌ای به روش‌های جمع‌آوری زباله و تفکیک زباله اختصاص پیدا کرده است و در خصوص زباله گردی و زباله گردان مطلب قابل توجهی ارائه نشده است. به طور مثال؛ عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «تأثیر سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر مشارکت شهروندان در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی» به سنجش میزان مشارکت خانوارهای شهر ارومیه در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی و تأثیر سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر آن با روش پیمایشی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با میزان مشارکت در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی رابطه معناداری وجود دارد.

صالحی و خوش‌فر (۱۳۹۲) در تحقیقی دیگر با عنوان «بررسی نگرش زنان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی در مازندران» نشان دادند که پارادایم نوین زیست محیطی عامل بسیار مهمی در تکوین نگرش مثبت نسبت به مدیریت بازیافت زباله‌های خانگی می‌باشد. همچنین دغدغه زیست‌محیطی، سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی خانوارها رابطه معناداری با نگرش زنان نسبت به بازیافت زباله داشته‌اند.

رهنما و کاظمی خیبری (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «بازنگری راهبردی حوزه خدمات شهری مدیریت محلی ایران با تأکید بر پسماند شهری» در کلان‌شهر مشهد به این نتیجه رسیدند که شناخت نیازها و اولویت‌های شهروندان مشهدی و ایجاد محیط زیست سالم و پایدار می‌بایست مبنا و ملاک تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کلان‌شهر مشهد باشد که بدون نگاه راهبردی و استراتژیک ممکن نمی‌باشد.

حسینی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر مشارکت نوجوانان بر جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله توسط خانواده‌ها» ۱۰۲ خانواده را تحت پوشش آموزش قرار دادند و جلسات آموزشی برای نوجوانان برگزار شد. پس از بررسی و مقایسه درصد خانوارهای روستایی که قبل و بعد از مشارکت نوجوانان، زباله را به

روش بهداشتی جمع‌آوری و دفع می‌کنند، تجزیه و تحلیل تفاوت حاکی از تأثیر مشارکت نوجوانان بر ارتقاء شاخص جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله بود.

۳. روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر بر اساس استراتژی نظریه زمینه‌ای [۱] صورت پذیرفته است. نظریه زمینه‌ای، بر نوعی استقراء استوار است که به وسیله داده‌های منتج از پژوهش، نظریه تولید می‌کند. در این روش، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نظریه احتمالی نهایی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند و محقق به‌جای پیش فرض گرفتن یک نظریه با ورود به حوزه مورد مطالعه به داده‌ها اجازه می‌دهد تا نظریه را پدید آورند (اشتراس و کورین، ۱۹۹۸) [۲]. شیوه اساسی در این تکنیک مبتنی بر کدگذاری است. بدین ترتیب مصاحبه‌ها از همان شروع کار، پیاده‌سازی شده و کدگذاری روی متن‌ها صورت گرفته است. در ادامه و با گسترش کدهای کشف شده یک کدلاگ [۳] ساخته شده و حرکت از کدهای اولیه به سوی مقولاتی با انتزاع بالاتر صورت گرفته است. مقولات کشف شده در حقیقت محوری‌ترین دلایلی است که زباله گردان به‌عنوان دلایل زباله گردی ابراز داشته‌اند. مشارکت‌کنندگان این پژوهش شامل ۹ نفر از زباله گردانی هستند که در مناطق مختلف شهر زاهدان مشغول فعالیت بوده‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان در این تحقیق به صورت هدفمند و برای تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان، از ملاک اشباع نظری استفاده شده است.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

کدگذاری سه مرحله‌ای مرسوم در نظریه زمینه‌ای به ظهور مفاهیم و مقولاتی منجر شد که هر یک بخشی از دلایل و زمینه‌های پدیده مورد بررسی را روشن می‌سازد. در این بخش ابتدا تصویری کلی از کدهای کشف‌شده ارائه شده و سپس هر یک از مقولات محوری به تفکیک توضیح داده خواهد شد.

مقولات استخراج شده درباره دلایل روی آوردن به زباله گردی

مفاهیم	مقولات محوری	مقوله هسته
بیکاری خرج خانواده از دست دادن شغل قبلی	تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش	زباله گردی؛ پیامد حمایت اجتماعی ناکافی
عدم پوشش بیمه عدم دریافت حمایت از نهادهای حمایتی کاغذبازی سیستم اداری تبعات (پیامدهای) یارانه نقدی/سبد کالا	عدم حمایت دولتی/سازمانی	
داشتن اعتیاد فراهم بودن زمینه اعتیاد عدم تمایل به ترک اعتیاد	اعتیاد	
از دست دادن فرد حامی در خانواده عدم احساس تعلق به خانواده	فقدان حمایت خانوادگی	
کسب درآمدها مشروع و قانونی عدم تمایل به گدایی	حفظ کرامت انسانی	
پذیرش زباله گردی توسط مردم عدم برخورد مأموران دولتی	عدم منع اجتماعی	

۴.۱. تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش

عمده‌ترین دلیلی که افراد به دنبال راهی برای کسب درآمد هستند، پاسخگویی به نیازهای حیاتی‌شان است، از جمله نیازهای اساسی انسان‌ها معاش می‌باشد. در زندگی شهری، برآوردن نیازهای روزانه برای افرادی که شغل مشخص و ثابتی ندارند به

صورت مستقیم میسر نیست بلکه با برگزیدن یک شغل کاذب و پرداختن به آن، درآمدی را در اختیار افراد می‌گذارد که از طریق آن می‌توانند به نیازهای حیاتی‌شان پاسخ دهند، در نتیجه افراد از راه جمع‌آوری زباله و فروش آنها، برای برآورده کردن نیازهایشان استفاده می‌کنند.

تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش از مهم‌ترین دلایلی است که سبب زباله گردی در شهر زاهدان شده است. این مقوله از کدهای: «بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی»، «خرج خانواده» و «از دست دادن شغل قبلی»، انتزاع شده است. همان‌گونه که مفاهیم به‌دست‌آمده نشان می‌دهد مشکلات و معضلات معیشتی و درآمدی بخشی از دلایل و زمینه‌های زباله گردی در میدان مطالعه را نمایندگی می‌کند.

#### ۴.۱.۱ بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی

شرایط اجتماعی که فرد در آن قرار دارد اجبار و الزام‌هایی را به فرد وارد می‌کند، نیافتن شغل، محدودیتی است که افراد را مجبور به یافتن راه دیگری برای پاسخ به نیازهایشان می‌کند. زباله‌گردی اگرچه شغل متعارفی نیست اما برای فردی که موفق به یافتن کار دیگری نشده است، می‌تواند راهی برای امرار معاش باشد. افرادی که به زباله گردی مشغول بودند به علت نداشتن شغل دیگری برای کسب درآمد، به سراغ این کار آمده‌اند.

در این خصوص زاهد ۳۸ ساله اظهار داشته است که: «کاری نداریم، شغلی نداریم، بعد از اینکه از زندان اومدیم مشغول این کار شدیم، از بیکاری»؛

آقای ریگی هم می‌گوید: «ما والا از مجبوری این کار رو داریم می‌کنیم، به خاطر اینکه به حساب کاری نیست، بیکاریه»؛

عباس ۴۴ ساله نیز می‌گوید: «وضعیت کار خراب شد، کار به ما نمی‌دادن هر جا که می‌رفتیم. الان دیگه نو که اومد به بازار کهنه شد دل‌آزار، ما قدیمی‌هامیریم کنار بچه‌ها چون ما میان دیگه»؛

وقتی از ابراهیم ۳۱ ساله پرسیده می‌شود چرا مشغول این کار شدید؟ خیلی کوتاه پاسخ می‌دهد: «به خاطر بیکاریه» و دوباره مشغول کارش می‌شود.

#### ۴.۱.۲ خرج خانواده

خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی است. در جوامع، تشکیل خانواده مهم و با ارزش قلمداد می‌شود چرا که خانواده کارکردهای مهمی برای اجتماع دارد و همچنین به حفظ اجتماع کمک می‌کند؛ بنابراین افراد اجتماع در طول زندگی خود تصمیم به ازدواج و تشکیل خانواده می‌گیرند، پس از تشکیل خانواده، افراد نقش‌های جدیدی کسب می‌کنند و به دنبال آن با فرزندآوری نقش‌ها و وظایف جدیدی به وظایف قبلی‌شان افزوده می‌شود. تأمین خانواده یکی از شروط مهم برای تشکیل و حفظ خانواده است. در جامعه ما تأمین خانواده عموماً از وظایف مرد خانواده بشمار می‌رود. زباله گردان متأهل که هنوز زن و فرزندشان با آنان زندگی می‌کردند و به عبارتی همسرشان از آن‌ها جدا نشده بود، به خرج خانواده و تأمین آن‌ها اشاره کرده بودند. اگرچه با وجود زباله‌گردی، مسئله‌ی تأمین معاش برای این دسته از افراد همچنان باقی مانده بود اما به آنان فرصتی برای ادامه‌ی زندگی داده بود.

غنی ۴۵ ساله می‌گوید: «دارم کارتون جمع می‌کنم زن و بچه‌ام رو نونشونو در میارم اجاره خونه می‌دم؛ سرمایه‌ای من ندارم که یک جایی یه مغازه‌ای چیزی بازکنم، ۸ نفر نون خور دارم، کرایه خونه می‌دم، مریض دارم»؛ محمود ۴۴ ساله نیز می‌گوید: «دیگه کاری نیست، بیکار تو خونه باشیم خرج ما از کجا دربیاد؟»

#### ۴.۱.۳ از دست دادن شغل قبلی

یکی دیگر از دلایل افراد برای انجام زباله گردی، از دست دادن شغل قبلی‌شان بوده است. در واقع تمایز این مقوله از مقوله بیکاری در این است که در اینجا افراد به علت عدم توانایی در ادامه شغل قبلی‌شان، از آن شغل دست کشیدند و به سراغ زباله گردی



رفته‌اند. عدم توان برای ادامه شغل قبلی، منجر به انتخاب زباله گردی به عنوان شغلی برای تامین معاش بوده است.

غنی ۴۵ ساله می‌گوید: «پاهام خرابه، ساییدگی زانو دارم نمی‌تونم کارگری کنم»؛ حسین می‌گوید: «از روی ساختمان افتادم از اینجا تا اینجا پاره شد [با دست از زیر قفسه سینه تا شکم و امتداد پایش را نشان می‌دهد] دیگه نمی‌تونستم کار کنم برام سخته نمی‌تونم»؛

ابراهیم ۳۱ ساله می‌گوید: «خب دیگه دستگاه جوش ندارم، یکی نیست که بگه آقا این دستگاه جوش و این گاری و این ماشین، من دستگاه جوشمو فروختم، طلاقم پیش آمد، به خاطر اینکه نفرستم زندان به خاطر مهریه، دیگه آمدن پیله کردن، دیگه هرچی داشتم نداشتم رو مهریه و اینا دادم. موتوری داشتم فروختم»

بر این اساس، در بین زباله گردان این تلقی وجود دارد که آن‌ها به دلیل تنگناهای شغلی و نبود راهی برای تامین زندگی، با روی آوردن به زباله گردی می‌توانند خیلی از مشکلات معیشتی را برطرف نمایند.

#### ۴.۲. عدم حمایت دولتی/سازمانی

حکومت‌ها در قالب بخش‌های دولتی، خصوصی و یا سازمان‌ها، شهروندان جامعه را تحت حمایت قرار می‌دهند، همچنین در همه جوامع برای حمایت از اقشار آسیب‌دیده، سازمان‌ها و ارگان‌های مخصوصی در نظر گرفته شده است تا این افراد نیز بتوانند در جامعه به زندگی خود ادامه دهند. از آنجایی که افرادی که به زباله گردی مشغول‌اند، بیکار شدند، یا امکان ادامه شغل قبلی خود را نداشتند، در واقع دچار آسیب اجتماعی شده بودند، نیاز به حمایت از طرف دولت و سازمان‌های مربوطه را داشتند. عدم دریافت این حمایت باعث شده تا این افراد به سراغ زباله گردی بروند. مقوله «عدم حمایت دولتی/سازمانی» مقوله دیگری است که شامل ۴ کد، «عدم پوشش بیمه»، «عدم حمایت توسط نهادهای حمایتی دولتی»، «کاغذبازی سیستم اداری» و «پیامدهای یارانه نقدی و سبد کالا» می‌باشد.

#### ۴.۲.۱ عدم پوشش بیمه

هر کاری خطرات پیش‌بینی‌شده و پیش‌بینی‌نشده‌ای دارد، لذا با بیمه کردن افراد، در صورت بروز آسیب و یا از کار افتادگی، فرد بیمه‌شده می‌تواند با حمایت بیمه به زندگی ادامه دهد. عدم تمکن مالی افراد برای قرار گرفتن تحت پوشش بیمه، و یا عدم امکان استفاده افراد از بیمه خود پس از بیکاری، از دلایل روی آوردن افراد به زباله گردی بوده است.

در این خصوص محمود ۴۴ ساله بیان داشته است که: «بیمه هستیم، بیمه کسی جواب نمی‌ده، ۱۵ سال سابقه بیمه دارم، می‌گه باید بری سرکار دیگه که این بیمه‌ات با اون رو بشه که بعد یا پولو بهت بدیم یا بازنشستگی بگیریم»؛  
غنی ۴۵ ساله نیز می‌گوید: «بیمه هیچ نیستیم، با این درآمد میشه بیمه و پول بیمه داد! همیشه!»؛

حسین که در حین انجام جوشکاری از یک ساختمان به پایین افتاده است و به خاطر جراحت حاصل از آن نتوانسته دوباره به کارش برگردد، می‌گوید: «بیمه کجاست! نه بابا بیمه چیه!»

#### ۴.۲.۲ عدم حمایت توسط نهادهای حمایتی دولتی

از جمله مراکز حمایتی که در کشور که اقشار آسیب‌دیده را مورد حمایت و پوشش قرار می‌دهند کمیته امداد و بهزیستی هستند. این سازمان‌ها باید آسیب دیدگان اجتماعی را شناسایی و مورد حمایت قرار دهند، درحالی‌که نارضایتی زباله گردان از عدم حمایت این سازمان‌ها از آنان است و از جمله دلایلی که سراغ کار زباله گردی رفته‌اند، نبود این حمایت بوده است.

زاهد ۳۸ ساله می‌گوید: «جواب نمی‌ده کسی، یارانه‌مونو نمی‌دن چه برسه به کمیته امداد»

غنی ۴۵ ساله می‌گوید: «کمیته امداد نمی‌ده می‌گه تو که آدم سالمی، ساییدگی زانو داریم ولی اینارو قبول نمی‌کنه، بهزیستی، کمیته امداد اینا رو قبول نمی‌کنه»

آقای ریگی نیز درباره تحت پوشش نبودنش بیان می‌کند: «الآن [کمیتة امداد] معرفی‌ام بکنن من هیچی مدارک [شناسایی] ندارم که به حساب بخوان منو تحت پوشش قرار بدن»؛

عباس ۴۴ ساله نیز از تجربه‌اش در یک خوابگاه می‌گوید: «الآن همین خوابگاهی که من بودم تقریباً ۱۷-۱۸ روز بودم، خب یک صبحانه مال ۵۰ نفره هر صبحانه شونم ۳۵۰۰ تومنه، خب این ۳۵۰۰ تومن هر نفری باید صبحانه‌اش رو کامل بده درحالی‌که این ۳۵۰۰ تومن؛ دو تا ۳۵۰۰ تومن میشه ۷۰۰۰ تومن، میرن دو تا پنیر هزار تومنی می‌گیرن با دو تا نون. هرکدوم این قدر نون [کمتر از یک کف دست] یکم پنیر هم رو می‌مالن مثل بچه می‌دن دستت، خداحافظ. ظهر هم همین جور، ظهرم یه نون خشکی می‌دن، ظهر هم به حساب غذای کامل، من می‌دونم استانداردی رفتم می‌دونم دارن نهایت خدمت رو می‌کنن، اما دزدی‌هایی که اینجا میشه اصل کار ایناست»؛ وقتی از او پرسیدم دیگر به خوابگاه نمی‌روید؟ گفت: «نه دیگه بعد از ۱۵ روز بهانه‌گیری کردند و بیرونمون کردن» مراکز ترک اعتیاد نیز از جمله مراکز حمایتی هستند که فرد معتاد را مورد حمایت قرار می‌دهند تا فرد بتواند اعتیاد را کنار بگذارد و به زندگی عادی‌اش بازگردد.

احمد ۲۹ ساله نیز از تجربه‌اش در مراکز ترک اعتیاد می‌گوید که: «یه جاهای شخصی هست که خدمت خوبی به آدم نمی‌کنه، داری درد می‌کشی ولی بازم براشون فرقی نمی‌کنه باز کمپ دولتی‌ها چیزی که هست خوبه چون به آدم رسیدگی می‌کنه یه چیزی هم که هست اینه که از کمپ هم که بیرون شدی بهت رسیدگی می‌کنه ولی اینا نه، اینا یه پول مفتی می‌گیرن بعد می‌برنت اونجا بلا نسبت مثل یه گاوی، حیوونی، گوسفندی، چیزی در رو می‌بندن به روت، مُردی که مُردی، موندی که موندی»

داشتن تجربه خوب یا بد از مراکز حمایتی، در مراجعه مجدد افراد به این مراکز، و یا مراجعه به سایر مراکز حمایتی مؤثر خواهد بود.

کسانی که به زباله گردی مشغول بودند برای برخورداری از حمایت‌های دولتی نیازمند طی مراحل برای ثبت‌نام و یا تکمیل مدارک بودند اما به علت پیچیدگی سیستم ثبت‌نام، این افراد موفق به تکمیل مدارک برای دریافت حمایت نشدند، عدم دریافت پاسخ بعد از پیگیری‌های ثبت‌نام باعث دلسردی آنان شد و در نتیجه آنان از دریافت حمایت‌های دولتی ناامید شدند و به سراغ زباله گردی رفتند.

سجاد ۲۶ ساله می‌گوید: «مدارکام گم شده [برای صدور مجدد] ضامن می‌خواد»؛ وقتی از او پرسیدم: خب برادرتون، ضامنتون نمی‌شه، سرش را به علامت منفی تکان داد و گفت نه.

غنی ۴۵ ساله نیز می‌گوید: «من همسرم تو روستا بوده، تو روستا که بوده پدر و مادرش وقتی بچه بوده، مادرش فوت می‌کنه پدرش می‌ره ازدواج می‌کنه شناسنامه برای اینا نمی‌گیره این با اون زن دیگه بزرگ می‌شه، بعد این پدره هم فوت می‌کنه، اینو خاله‌اش بزرگ می‌کنه، همچنان شناسنامه ندارد، حالا من بچه‌هامو، رو شناسنامه خودم برایشون شناسنامه گرفتم بچه‌ها سن‌شون ۱۸ سال شده، من کارت ملی‌شونو چی نکردم، کارت ملی ندارن، سه نفر رو قطع کردن، یکی رو ثبت‌نام کردم، کد رهگیری هم دادن، می‌گه پیامک میاد، پیامکی هم برای ما نیومده، دم استانداری رفتیم می‌گه از تهران قطع شده ما چکار کنیم؟ رفتیم ثبت‌احوال هیچکی تحویل ما رو نمی‌گیرن سه چهار دور رفتیم آخرش گفتم به درک، توکل ما به خدا»؛

زاهد ۳۸ ساله در خصوص ثبت‌نام برای یارانه‌اش می‌گوید: «رفتیم سراغشون کسی جوابی نداد، فرمانداری، استانداری اینا رفتیم کسی جوابی نداد، ما جزو انصرافیا شدیم»؛ از او می‌پرسم برای ثبت‌نامتان کی پیگیری کردین؟ می‌گوید: «مرحله اول که رفته بود مرحله دوم که ثبت‌نام کردن برج دو بود رفتیم پرنده مرونده هم تشکیل دادیم همه کارا رو هم کردیم موقع یارانه رفتیم سراغش گفتن شما جزو انصرافیا»

آقای ریگی در مورد گم‌شدن شناسنامه‌اش و پیگیری برای صدور مجدد آن می‌گوید:

«شناسنامه‌ام گم شد، درخواستم کردم، درخواست المثنی نوع قدیمشو، چند وقت پیش رفته بودم پیش معاون، مدارک منو از کامپیوتر استعلام کرد، از من راکد دراومده، الان از من نامه گرفته که برم دنبال کارام، درست کنم، اصلاً تمام کارام رو کرده بودم، درخواستم داده بودم تا قبض رسید دریافت شناسنامه رو هم گرفته بودم با رئیس ثبت‌احوال چون آشنا بود، فامیلم بود یه شوخی کردم، به حساب نزدیکای بارنشستگیش بود، گفتم که شما که دارین بازنشست می‌شین پسرتونو بیارین بجاتون بذارین، چند تا اونجا بودن و خندیدن به حساب همون کارمندااش، من همه کارام کرده بودم رسید گرفته بودم یه هفته دیگه برم شناسنامه‌ام رو تحویل بگیرم اومدم میگه مدارکت ناقص بوده، گفتم مدارکم که ناقص بوده چه جوری قبض رسید به من دادید که شناسنامه رو تحویل بگیرم، مگه اون پرونده رو چک نمی‌کنه که چیزی کم و کسر نداشته باشه؟ یکسری دیگه‌ام مدارکم رو درست کردم و اینا، اومد گفتم یه چیز دیگه کمه، رو همین حساب منم دلم سرد شد نرفتم»

#### ۴.۲.۴ پیامدهای یارانه نقدی و سبب کالا

یکی از سیاست‌های دولت برای حمایت از دهک‌های پایین جامعه، واریز یارانه نقدی بود. برای دریافت یارانه نقدی، در محدوده زمانی مشخص، باید ثبت‌نام آن انجام می‌شد. عده‌ای از زباله گردان موفق به دریافت آن نشده‌اند، و حتی بعد از پیگیری‌های اداری نیز موفق به دریافت آن نشده بودند، وعده‌ای از آنان به علت ترک خانواده، یارانه نقدی‌شان را جداگانه دریافت نمی‌کردند. گروه دیگری که یارانه دریافت می‌کرد بیان می‌کردند یارانه کفاف مخارج آنها را نمی‌دهد، و آنها همچنان به خاطر تأمین مخارجشان مجبور به زباله گردی هستند.

زاهد ۳۸ ساله می‌گوید: «یارانه حقیقتش نداریم ما، تو زندان بودم ثبت‌نام نکردم وقتی هم اومدم بیرون رفتیم ثبت‌نام کنیم گفتن شما جزو انصرافی‌هایید، ندادن بهمون»؛ احمد ۲۹ ساله که شب‌ها در منزل برادرش می‌خوابد، می‌گوید: «یارانه رو برادر می‌گیرد من اصلاً از یارانه‌ای چیزی خبر ندارم»؛

ابراهیم ۳۱ ساله که خانه ترک کرده است می‌گوید: «از موقعی که یارانه اومده، هرچی هست من به خدا یه دو هزار تومن ازش ندیدم»؛  
عباس ۴۴ ساله که بعد از مرگ والدینش به علت اینکه خواهر و برادرهایش خانه را برای فروش گذاشته است و مجبور به ترک خانه شده می‌گوید: «چی میشه این ۴۵ تومن؟ ۴۵ تومن پول برقمه که در ماه خونه بابام می‌دم، الان یه پول برق میاد ۶۰ تومن»؛

حسین می‌گوید: «یارانه‌ام پول کرایه خونه‌ام می‌شه، ۲۷۰ تومن پول کرایه خونه می‌دم» علاوه بر یارانه نقدی، سبد کالا نیز به برخی از گروه‌های اجتماعی داده شد، که در این میان نیز ناراحتی به خاطر عدم دریافت آن دیده می‌شد.  
غنی ۴۵ ساله می‌گوید: «سبد کالا که اومد یعنی نگا کن یارو با ماشین تایلندی آمد ترمز می‌گرفت می‌رفت کارتتش رو می‌داد سهمیه سبد کالا رو بهش می‌دادن من هر جا می‌رفتم می‌گفت براتون نیومده، ما رو ندادن».

#### ۴.۳. اعتیاد

مقوله اعتیاد به صورت مستقیم بر زباله گرد شدن افراد اثر نگذاشته است، و به صورت غیرمستقیم با اثرگذاری بر متغیر دیگر باعث شده بودند فرد به سراغ زباله گردی برود؛ بدین صورت که فرد پس از معتاد شدن شغلش را از دست داده و پس از دست دادن شغل مجبور به زباله گردی شده است، و یا فرد معتاد شده و پس آن خانواده‌اش او را ترک کرده و او دیگر در نزد خانواده جایگاهی نداشته است در نتیجه سراغ زباله گردی رفته است.

احمد ۲۹ ساله، پس از روی آوردن به اعتیاد، همسرش بدون آنکه طلاق بگیرد او را ترک کرده و همراه بچه‌اش به منزل پدرش برگشته، احمد می‌گوید: «جدا شده فعلاً، گفته من نمیام تا روزی که معتاد باشی نمیام». در نتیجه احمد زندگی‌اش را جمع می‌کند و شب‌ها در منزل برادرش می‌خوابد.

سجاد نیز می‌گوید: «معتاد شدم کارمو از دست دادم» و وقتی از او در مورد چرایی از دست دادن کارش بعد از اعتیاد می‌پرسم می‌گوید: «چون خودتون که میدونید آدمی که معتاد شه آبرو و حیثیت نداره»

سه مفهوم در این مقوله گنجانده شده است:

#### ۴.۳.۱ داشتن اعتیاد

۶ نفر از ۹ فرد مورد مطالعه، به اعتیاد گرفتار بودند و تنها یک نفر آنان توانسته بود ترک کند اما ۵ نفر دیگر همچنان اعتیاد داشتند. آنان درباره اعتیادشان جملات زیر را بیان داشته‌اند:

عباس ۴۴ ساله: «من خدا را شکر مواد نمی‌کشم مواد رو ول کردم قبلاً می‌کشیدم»؛

زاهد ۳۸ ساله: «آره، همین اعتیاد ما رو به اینجا کشونده»؛

سجاد ۲۶ ساله: «به قول یارو گفتنی دهن ما خشک به این شد... دود... دود»؛

حسین: «باز خوبه که من معتاد نیستم برای کسی که مواد بکشه که هیچی نمی‌شه»؛

احمد: «هر چی در میارم به مواد می‌زنم»؛

ابراهیم: «حقیقتش بعضیا می‌گن منو فالانی معتاد کرد اما من معتاد شدم فقط به خاطر

زن پدرم»

آقای ریگی: «خودمونم الان به بلای اعتیادم گرفتاریم»؛

#### ۴.۳.۲ فراهم بودن زمینه اعتیاد

وقتی از زبانه گردان درباره علت روی آوردنشان به اعتیاد پرسیده شده، پاسخ‌هایشان که

نشانگر فراهم بودن زمینه اعتیاد برای آنان بوده است، فراهم بودن شرایط بر انتخاب

آنان برای روی آوردن به اعتیاد اثرگذار بوده است

زاهد ۳۸ ساله می‌گوید: «اولین باری که لب به مواد زدم کلاس پنجم دبستان بودم با

معلمم، معلم ما یک زنی بود، خانم زینعلی، ترک بود از تبریز. اون دوتا دختر داشت

همکلاسیام بودن دوقلو بودن، همسایه هم بودیم، همونجا خونشون می‌رفتم تمرین کنیم

درسو، یه روز اومدیم تو آشپزخونه یه سؤالی ازش پرسیم دیدم داره تریاک می‌کشه،

به خاطر اینکه من به کسی چیزی نگم بمن همونجا مواد داد؛ و وقتی از او پرسیده شد که آیا از همان پنجم دبستان به بعد گرفتار اعتیاد بودید پاسخ داد: «نه دیگه تا موقعی که مدرسه‌ها تعطیل شد که این معلمه رفت تبریز ما باهاش سرکردیم، بعدش که اون رفت هیچی».

- بعد چکار کردین با درد اعتیاد؟ «بردن منو دکتر و دارو گرفتم»

- بعد از اون کی دوباره شروع کردین؟ «بعد از خدمتم»

سجاد ۲۶ ساله نیز درباره روی آوردنش به اعتیاد می‌گوید: «با دوست»؛

آقای ریگی نیز در این باره می‌گوید: «راهنمایی که اومدم همین [مدرسه] مطهری بود، اینجا که اومدم با همین بچه‌ها آشنا شدیم پارک اون موقع به حساب می‌ومدیم، اون پارک به حساب به نام پارک حشیش بود اونجا به خاطر اینکه وقتمونو بگذرونیم تا ساعت تفریح و اینا، اونجا می‌ومدیم می‌نشستیم، دیگه بچه سال هم ما به حساب جوون هم بودیم کنجکاو هم بودیم می‌دیدیم یارو چه آسایشی داره، قایم می‌کنه جایی، مام ۲-۳ تا رو رفتیم درآوردیم به حساب می‌دیدیم چکار می‌کنن بعد می‌کشیدیم»؛

احمد ۲۹ ساله می‌گوید: «چی بگم با رفیق نامرد که بگردی خودش نامردیه تورو هم معتاد می‌کنه. با کسایی گشتم که اول معتاد نبودن یا نفهمیدم [که معتاد هستن] سیگار دادن کشیدم، بعد که سیگار کشیدم «چرس» دادن کشیدم، دیگه همین جوری کم‌کم نفهمیدم معتاد شدم»

۴.۳.۳ عدم تمایل به ترک اعتیاد

یکی دیگر از مقولات عمده در مورد اعتیاد زباله گردان، عدم تمایل آنان به ترک اعتیاد بود، عده‌ای از آنان چند باری برای ترک اقدام کرده بودند اما مجدداً سراغ آن رفته و دوباره معتاد شده بودند و باور به توانایی ترک مواد نداشتند. به نظر می‌رسد آنان وضعیت موجودشان را پذیرفتند و پس از قبول شرایط موجودشان توانایی تغییر را در خود نمی‌بینند. آنان متوجه صدمات اعتیاد بر زندگی‌شان بوده‌اند اما عدم تصمیم برای ترک مواد به علت پذیرش شرایط موجودشان است.



زاهد ۳۸ ساله در پاسخ به اینکه آیا می‌خواهد اعتیادش را ترک کند می‌گوید: «چرا حتی برادرای خودم هنوزم هستن گیر می‌دن، دعوا می‌کنن، می‌خوان ببرن کمپ و اینا، نمی‌ریم؛ می‌خوام، ولی گیر کردم تو مواد نمی‌شه»

احمد ۲۹ ساله می‌گوید: «الآن نگا کن یک چیزی که شده اینه که من از چی خارج شدم دیگه نمی‌تونم اون کارو نکنم یکی دو بارم گذاشتمش کنار ولی باز دوباره گیر کردم نمی‌دونم چی داره که والا اینا رو که ترک می‌کنی این لامصبا رو، با چیایی [چیزهایی] که به زور ترک می‌ده به درد نمی‌خوره، کار یک روز نیسته، ۳-۴ دفعه‌اس ترک می‌کنم لامصب رو می‌ذاره کنار باز دوباره. خدا مگه خودش کمک کنه که ترک کنم».

ابراهیم ۳۱ ساله می‌گوید: «بارها ترک کردم، به خدا گفتم نمی‌کشم، بازم نشد».

#### ۴.۴. فقدان حمایت خانوادگی

هر فرد در یک شبکه ارتباطی با سایرین قرار دارد، این شبکه ارتباطی می‌تواند بزرگ و گسترده باشد یا کوچک. ارتباط با دیگران و گروه‌های اجتماعی، یک شبکه حمایتی برای افراد ایجاد می‌کند. در جامعه افراد به شبکه‌های حمایتی و ارتباطی نیازمندند. یکی از شبکه‌های حمایتی برای افراد خانواده‌شان است. در این بخش دو مقوله «از دست دادن فرد حامی» و «عدم احساس تعلق به خانواده» قرار می‌گیرد.

##### ۴.۴.۱ از دست دادن فرد حامی در خانواده

معمولاً در خانواده یک فرد کلیدی است که موجب ارتباط افراد در خانواده با یکدیگر و حفظ شبکه خانوادگی می‌شود. مرگ آن فرد یا نبودش باعث قطع ارتباط سایر اعضای شبکه با هم می‌شود و در این شرایط فرد شبکه حمایتی‌اش را از دست می‌دهد. پدر و مادرها از جمله کسانی هستند که باعث حفظ شبکه ارتباطی بین فرزندان‌شان می‌شوند. از دست دادن فرد حامی باعث قطع ارتباط فرد با شبکه حمایتی‌اش بوده است و نبود حمایت خانوادگی موجب شده که افراد به سراغ زباله گردی بروند.

عباس ۴۴ ساله: «من تا پیرال سال که مادرم خدا رحمتش کنه زنده بود وضعیت زندگیم خوب بود بعد از اون، خواهر-برادرام پاشونو از زندگیم کشیدن کنار»؛

همچنین والدین علاوه بر حفظ شبکه ارتباطی - حمایتی، خود نیز نقش حامی را برای فرزندان‌شان دارند، از فرزندان‌شان حمایت می‌کنند تا آنان بزرگ شوند وارد اجتماع شوند و پس از آن نیز همچنان نقش حامی را برای فرزندان‌شان ایفا می‌کنند، از دست دادن پدر و مادر موجب شده است فرد توسط عضو دیگری از خانواده بزرگ شود و در نتیجه نبود فرد حامی برای زباله گردان، محسوس بود.

احمد ۲۹ ساله می‌گوید: «پدرم فوت کرده وقتی خیلی بچه بودم، خانواده‌ام یک مادر بزرگ بود»

سجاد ۲۶ ساله نیز می‌گوید: «پدر و مادرم فوت کردن من کلاس اول دبستان [بودم]، با داداشم بزرگ شدم»؛ علاوه بر پدر و مادر، سایر اعضای خانواده نیز از یکدیگر توقع حمایت دارند.

در این خصوص غنی ۴۵ ساله بیان می‌کند: «همه، برادرای سرمایه‌دار دارم تیلیاردن ولی زن و بچه‌شون نمی‌ذارن منو کمک کنن، ماشین تایلندی، زن برادرا همه سواره، ۱۰-۱۲ تا ساختمون توی این شهر دارن، اون یکی ۱۲ تا گلخونه داره، تو شهرک صنعتی یک شرکت ساختمونی داره ولی به ما رسیدگی نمی‌کنن».

#### ۴.۴.۲. عدم احساس تعلق به خانواده

لزوم بودن در یک گروه و حفظ ارتباط با اعضای آن، داشتن احساس تعلق به گروه و اعضای آن است. احساس تعلق باعث پایداری فرد به گروه می‌شود و در صورت نبود آن فرد می‌تواند به آسانی از گروه جدا شده و با آن قطع ارتباط کند، همچنین در صورتی که اعضای گروه، دیگر فردی را به‌عنوان عضو گروه نپذیرند، آن فرد باز هم شبکه ارتباطی‌اش را از دست می‌دهد. خانواده یکی از گروه‌های اجتماعی است که افراد عضو آن هستند در نتیجه ضرورت پایداری و احساس تعلق در به آن احساس می‌شود. یکی از مواردی که موجب زباله گردی در افراد شده بود، این بود که به خانواده احساس تعلق نمی‌کردند و دیگر جایی برای خود در خانواده نمی‌دیدند یا خانواده دیگر آنان را به‌عنوان عضو خانواده نمی‌پذیرفت.

آقای ریگی در این باره می‌گوید: «خانواده‌ای برای یکی مٹ من که به این حال و روز باشه نیسته؛ دیگه چی بگم طعنه‌هایی که تو خانواده می‌دادن اعصابم کشش نداشت اون موقع باهاشون بسازم»

ابراهیم ۳۱ ساله می‌گوید: «یکی نیست به ما بگه آقا درد دلت چیه؟ چکار می‌کنی؟ چکار نمی‌کنی؟ پدرم بهترین خونه و زندگی رو داره من باید اینجا لاک کهنه جمع کنم؛ منو بدبخت کرد زن پدرم کرد، خونوادت یه هفته باهات بدرفتاری کنن، چکارت کنن، زخم زبون بزنی، به خدا خودت نیامدی بیرون، خودتو خراب نکردی هرچی دوست داری به من بگو، بردار بگو ابراهیم، تو هرچی برداشتی گفتی رو الکی گفتی»

وقتی زاهد ۳۸ ساله می‌گوید: «دیگه هرکی دنبال زندگی خودش این روزا» عباس ۴۴ ساله نیز از تجربه طردش توسط همسرش می‌گوید: «یه حیاطی گرفتیم اونجا تو بجنود به چهار و پونصد، سند رو به اسمش [اسم زنم] کردم، حیاط رو کشید بالا، خیلی، یعنی کلاً کمرشکن کرد منو؛ خود خانوم ما مواد گذاشته تو جیب ما تو بجنود، بعد من از سرکار بر می‌گشتم پاسگاه اومده بودن بعد سه سال منو زندان انداختن».

#### ۴.۵. حفظ کرامت انسانی

همه انسان‌ها دارای شخصیت انسانی هستند و حفظ این شخصیت برای آنان مهم است، رواج جملاتی مانند «اشرف مخلوقات بودن انسان» در جامعه‌مان نشانگر ارزشمندی انسان است؛ کسی دوست ندارد کرامتش را زیر پا بگذارد، از طرف دیگر ارزش‌هایی در جامعه وجود دارد که اعضای جامعه سعی در رعایت و پایبندی به آن را دارند؛ اینکه عده‌ای به سراغ زباله گردی رفته‌اند به این علت بوده است که نمی‌خواستند به سراغ کارهای دیگری چون دزدی یا گدایی بروند، برای آنان حفظ ارزش‌های انسانی مهم بوده است و زباله گردی را با وجود سختی کار، آلودگی محیط، بوی نامطبوع و دیگر شرایط بد آن پذیرفته‌اند، تا برای تامین معاش مجبور به زیر پا گذاشتن کرامت‌های انسانی‌شان نشوند. «کسب درآمدهای مشروع و قانونی» و «عدم تمایل به گدایی» در ذیل این مقوله قرار می‌گیرد.

#### ۴.۵.۱ کسب درآمدهای مشروع و قانونی

اگرچه در تمام جوامع کسب درآمد و تامین هزینه‌های زندگی از طریق کار کردن ارزشمند است اما در جامعه‌ی مایکی از ارزش‌های فرهنگی، کسب روزی از راه‌های مشروع و قانونی است، افرادی که به این ارزش پایبندند، حاضرند کارهای سخت با درآمد پایین انجام دهند اما ارزش‌هایشان را زیر پا نگذارند و به سراغ کارهای غیر مشروع و غیرقانونی با درآمد بالا نروند.

در این باره غنی ۴۵ ساله می‌گوید: «روزی من همینه، اونا می‌رن افغان‌کشی می‌کنن اینا روزیه حرامه، من این کار رو نمی‌کنم، چون همانند گوشت آدم را بخوری همین جوهره، افغانی که اینا میارن، پول دوپل ازشون می‌گیرن از همونجا که حرکت می‌کنن تا شهرستان که می‌رسون بدبختارو به چه بدبختی می‌رسونن، این پول حرومه به درد نمی‌خوره برا ما، من خانومم سیده من اگه حرام خونه ببرم من اگه هزار تومان حرام خونه ببرم همون روزش ۱۵ هزار تومن میرم از داروخونه دارو می‌خرم، به من نمی‌سازه حرام، من نمی‌خورم اینجورم».

دزدی کاری مذموم در فرهنگ ما شمرده می‌شود. در فرهنگ اسلامی نیز مجازات سنگینی برای فردی که دزدی کرده است در نظر گرفته شده است. زباله گردان به عنوان اعضای جامعه سعی در حفظ آبروی خود دارند و به سراغ دزدی نمی‌روند.

حسین می‌گوید: «دیگه مجبور شدم، دیگه راهی نمونه بود. نمی‌تونم، نتونستم راه کسی رو ببندم»؛

آقای ریگی می‌گوید: «نمیشه خدایی ناکرده به مال مردم دست دراز کرد، همین از ما بر میاد»؛

احمد ۲۹ ساله می‌گوید: «چیزایی که می‌گیرم (می‌خرم) خودم می‌گیرم، دزدی نمی‌کنم»؛ ابراهیم ۳۱ سال بیان می‌کند: «مس الان کیلو ۱۷ هزار تومانه، اونم که مس باید بری دزدی کنی بالای تیر برقا اگه خدایی نکرده بگیرنت دیگه هیچی الان رو سیم برقم شده

تو رو اعدام می‌کنن، بگیرنت مثلاً سر جرم که مثلاً داری [سیم‌ها را] درمیاری دیگه  
تمامه، حکم اعدامه»

سجاد ۲۶ ساله می‌گوید فقط در راستای خیابان مشغول زباله‌گردی است و برای انجام  
این کار به کوچه‌ها نمی‌رود، می‌گوید: «تو کوچه‌پس‌کوچه‌ها حقیقتش دزد مُزد زیاد  
داره، مام می‌ترسیم؛ شب به قول یارو گفتنی دزد زیاد داره، مام (ما هم) تا حالا این کارو  
نکردیم که بخوایم دزدی کنیم».

۴.۵.۲ عدم تمایل به گدایی

زباله‌گردی برای افراد راهی است که از طریق آن درآمدی کسب کنند تا گذران کنند و  
دیگر مجبور به گدایی کردن، نباشند. باوجود سختی کار و شرایط نامناسب اما این  
افراد حفظ کرامتشان را ارزشمندتر می‌دانند، گدایی برای آنان پسندیده نیست و گفته‌اند  
که:

عباس ۴۴ ساله: «مگه من راضی‌ام دستمو جلو این و اون دراز کنم»؛

احمد ۲۹ ساله: «کار می‌کنیم تا زیر منت کس دیگه قرار نگیریم»؛

۴.۶. عدم منع اجتماعی

در هر اجتماعی ارزش‌هایی وجود دارد که مردم به آن پایبندند و به دیگران نیز اجازه  
این تخطی از این ارزش‌ها را نمی‌دهند، به‌عنوان مثال دزدی در نزد مردم پسندیده نیست  
و لذا کسانی که به سراغ دزدی می‌روند هویت خود را مخفی می‌کنند و در زمانی این  
کار را انجام می‌دهند که در معرض دید سایرین نباشند، در حالی که زباله‌گردان در هر  
ساعت از روز و حتی در اماکن شلوغ مشغول کار خود هستند. دو مقوله «عدم فشار  
مردم» و «عدم برخورد مأموران دولتی» در ذیل این بخش قرار می‌گیرد.

۴.۶.۱ پذیرش زباله‌گردی توسط مردم

بااینکه زباله‌گردان صورت خود را می‌پوشانند تا کسی آن‌ها را نشناسد اما در هر  
ساعتی از روز و حتی در خیابان‌های پر رفت‌وآمد مشغول کار خود هستند، حضور

مردم برایشان اهمیتی ندارد و به کار خود می‌پردازند. مردم نیز در پلاستیک‌های زباله‌شان را در سر کوچه‌ها می‌گذارند و بی‌تفاوت از کنار این افراد عبور می‌کنند. حسین درباره حضور مردم می‌گوید: «کاری به مردم ندارم، بهشون توجهی نمی‌کنم»؛ زاهد ۳۸ ساله می‌گوید: «مردم دیگه اینقدر مشکلات دارن که به اینا نمی‌رسه»

۴.۶.۲ عدم برخورد مأموران دولتی

در هر جامعه‌ای نیاز به کنترل امور و وقایع آن است تا در صورت بروز مشکل جلوی وقوع مجدد مشکل را گرفت و برای آن راه‌حلی پیدا کرد. مأموران در هر حوزه‌ای که فعالیت می‌کنند در صورت تخلف از قانون، با فرد متخطی برخورد می‌کنند. لزوم برخورد با فرد، خلاف دانسته شدن عملی است که فرد انجام می‌دهد.

زباله گردان عمل خود را خلاف قانون نمی‌دانند و چون ممنوعیت قانونی برای خود نمی‌بینند به کار خود ادامه می‌دهند. از آنجایی که زباله‌ها تفکیک نیست، زباله گردان پلاستیک‌های زباله را بازکرده و به جستجو می‌پردازند و با اینکه این عمل باعث آلودگی محیط می‌شود اما برخوردی با آنان صورت نمی‌گیرد. زباله گردان در کوچه‌ها به زباله گردی نمی‌پردازند بخصوص در شب، زیرا ممکن است به علت دزدی با آنان برخورد شود و لذا در خیابان اصلی به کار خود می‌پردازند.

حسین در این باره می‌گوید: «مامورا کاری ندارن چون خلافی نکردیم که با ما کاری کنند»

آقای ریگی می‌گوید: «مامورای شهرداری بعضیا آشنا ببینن چیزی نمی‌گن»

سجاد نیز می‌گوید: «نه گشت و اینا نمیان»

زاهد می‌گوید: «مامورا کار ندارن، تو کوچه پس کوچه شاید گیر بدن اما تو خیابون اصلی کار ندارن».

با وجود اینکه انسان‌ها کنشگران فعال زندگی‌شان هستند اما ساختارهای زندگی اجتماعی بر کوچکترین مسائل فرد اثر می‌گذارد و می‌تواند شرایط و زمینه‌هایی را بوجود آورد که جریان زندگی فرد را از حالت متعارف خارج کند و یا می‌تواند با ایجاد شرایط جدید فرد را دوباره به زندگی برگرداند. زباله‌گردی راهی برای کسب درآمد و تأمین معاش برای زباله‌گردان است و انتخاب زباله‌گردی معلول زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی است که فرد در آن قرار گرفته است. «تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش» در کنار «عدم حمایت دولتی/سازمانی» شرایطی را به تصویر می‌کشد که فرد برای گذران زندگی، انتخاب دیگری بجز زباله‌گردی نداشته است. بنابراین حمایت از افرادی که از لحاظ اجتماعی دچار آسیب شده‌اند، باعث می‌شود تا آنان بتوانند دوباره زندگی طبیعی خود را از سر بگیرند و عدم حمایت زباله‌گردان باعث دلسردی آنان خواهد شد و می‌تواند تبعات اجتماعی دیگری نیز به دنبال داشته باشد. بیکاری، مخارج خانواده و از دست‌دادن شغل قبلی به خاطر عدم توان ادامه آن شغل، از مهم‌ترین علل روی آوردن افراد به زباله‌گردی بوده است.

اگرچه سایر مقوله‌ها، به زمینه‌های فردی موثر بر زباله‌گرد شدن تأکید می‌کنند اما این زمینه‌های فردی نیز ریشه در شرایط اجتماعی-اقتصادی جامعه دارد. در وهله اول اگرچه به نظر می‌رسد اعتیاد یک انتخاب فردی باشد اما فراهم بودن زمینه‌های اعتیاد و نبود حمایت‌های لازم برای مراجعه‌ی افراد به کمپ‌های ترک اعتیاد، باعث شده زباله-گردان به دلیل عدم حمایت کافی قادر به ترک اعتیاد نباشند. «فقدان حمایت خانوادگی» به معنی نادیده گرفتن فرد توسط سایر اعضای خانواده است، خانواده یکی از نهادهای اساسی هر جامعه است که تأثیر زیادی بر اجتماعی شدن افراد، حمایت از اعضای خود، حفظ شبکه ارتباطی و... دارد. فقدان حمایت خانوادگی اثرات منفی بر جنبه‌های زندگی یک فرد خواهد گذاشت. در خانواده‌ها معمولاً یک فرد کلیدی وجود دارد که موجب حفظ ارتباط و حمایت اعضای خانواده از یکدیگر می‌شود، فوت این فرد و نبود جایگزینی برای آن باعث قطع ارتباطات و حمایت در بین اعضای شبکه خانوادگی

می‌شود. در نتیجه باید راهی برای ترمیم روابط زباله‌گردان با دیگران، و بازگرداندن‌شان به شبکه‌ی روابط اجتماعی-خانوادگی یافت.

حفظ و تقویت ارزش‌هایی از جمله کسب روزی حلال، کرامت انسانی، اهمیت دو چندانی برای جامعه دارد. اینکه زباله‌گردان با وجود شرایط نابسامان اقتصادی‌شان سعی در کسب درآمدهای مشروع و قانونی دارند زمینه و فرصت مناسبی را در اختیار جامعه قرار داده است. حفظ ارزش‌ها منوط به این خواهد بود که این ارزش‌ها معنا و کارکرد خودشان را در نزد اعضای جامعه از دست ندهند، حمایت از زباله‌گردان می‌تواند منجر به حفظ ارزش‌های اجتماعی نظیر کسب روزی حلال، شود.

مشروعیت داشتن انجام کاری در جامعه باعث رواج آن می‌شود منابع مشروعیت نیز از درون جامعه است، سکوت مردم و عدم برخورد ماموران دولتی با زباله‌گردان، در کنار سایر عوامل، موجب رشد این پدیده در جامعه شده است.

تحلیل و تفسیر داده‌های میدانی این تحقیق و انتزاع آن در سطحی بالاتر به کشف مقوله هسته «زباله‌گردی؛ پیامد حمایت اجتماعی ناکافی» منجر شد که می‌تواند تصویر روشن و گویایی از دلایل زباله گردی در بین افراد درگیر را آشکار سازد. می‌توان گفت کنشگران و افراد درگیر در میدان مورد مطالعه، زباله گردی را راهی برای برون‌رفت از تنگناهای معیشتی و جایگزینی برای سازمان‌های حمایتی، برای حمایت از خود و خانواده‌شان در جهت حفظ کرامت انسانی می‌دانستند.

پانوش

- [1] Grounded Theory
- [2] Strauss and Corbin
- [3] code log

منابع



- حسینی، سیده وحیده؛ انوشه، منیره؛ احمدی، فضل‌الله. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر مشارکت نوجوانان بر جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله توسط خانواده‌ها: نشریه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران (دوماهنامه پرستاری ایران)، دوره بیست و یکم، شماره ۵۵، دی‌ماه ۱۳۸۷، ۹-۱۷.

- رهنما، محمدرحیم؛ کاظمی خیبری، خلیل‌الله. (۱۳۹۱). بازنگری راهبردی حوزه خدمات شهری مدیریت محلی ایران با تأکید بر پسماندهای شهری؛ مطالعه موردی: کالانشهر مشهد. *دوفصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ۳۰۷-۳۱۹.

- سعیدی، علی‌اصغر؛ حسین‌آبادی، مهدی؛ بهرامی، اردشیر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه احداث پروژه‌های توسعه شهری و آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: سوله بازیافت زباله پل کن منطقه ۹ تهران). *فصلنامه مطالعات شهری*، سال دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۱، ۱۰۹-۱۴۸.

- صالحی، صادق؛ خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۲). بررسی نگرش زنان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی در مازندران. *نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۲، ۲۰۹-۲۵۲.

- عباس‌زاده، محمد؛ میرزائی، حسین؛ علیاری، لورا. (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر مشارکت شهروندان در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی (نمونه مورد مطالعه شهروندان شهر ارومیه). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۴، ۷۵-۱۰۲.

- علیاری، لورا؛ عباس‌زاده، محمد؛ میرزائی، حسین. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی و میزان رضایت از خدمات شهری بر میزان مشارکت شهروندان شهر ارومیه در تفکیک و جمع‌آوری زباله‌های خانگی. *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال دوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۹، ۵۷-۷۴.

- عمرانی، قاسمعلی؛ جاوید، امیرحسین؛ رضانعلی، الهام. (۱۳۹۱). بررسی معیارهای مکان‌یابی ایستگاه انتقال زباله منطقه ۲۲ کلان‌شهر تهران از نظر ملاحظات زیست‌محیطی هوا و شیرابه. علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، ۱۴۷-۱۶۰.

- محرم نژاد، ناصر؛ عمرانی، قاسمعلی؛ جاوید، امیرحسین؛ مصطفائی، غلامرضا؛ اکبری، حسین. (۱۳۹۰). بررسی ترکیب و میزان زباله‌های تولیدی شهر کاشان در سال ۱۳۸۸. فصلنامه فیض، دوره پانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، ۲۷۵-۲۷۹.

- محمدیان، محسن؛ آفاجانی، حسنعلی؛ نیک زاده زیدی، محمود. (۱۳۸۸). بررسی میزان صرفه‌جویی در هزینه و زمان حاصل از تغییر سیستم در ایستگاه‌های جمع‌آوری و حمل زباله شهر تهران. فصلنامه مدیریت، سال ششم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۸، ۲۱-۳۳.

- مهدوی، ایرج؛ توکلی‌مقدم، رضا؛ قاضی‌زاده هاشمی، سید مصطفی. (۱۳۸۹). مسیریابی وسایط نقلیه و تعیین تعداد ماشین‌های جمع‌آوری زباله با استفاده از یک روش فرا ابتکاری - یک مطالعه موردی. پژوهشنامه حمل و نقل، سال هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹.

- Strauss Anselm, Juliet Corbin (1998). Basic of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. London. Sage pub.